



# ۱۴۴

## شاهین فاطمی : در رثاء یک سرباز [ارتشبد اویسی] فرشاد بهرامی : مفسدین فی الارض و محاربین با خدا ( ایران و جهان ، سال چهارم ، شماره ۱۸۱ ، اسفند ۱۳۶۲ )

اسفند ۱۳۶۲  
از دوشنبه ۱۸ دوشنبه ۸  
سال چهارم - شماره ۱۸۱

IRAN-VA-JAHAN

### ایران و جهان

Vol.IV, N°181  
Monday Feb 20, 27, 1984

هدف از انتشار ایران و جهان آگاهی دادن است نه تبلیغ عقاید خصوصی

#### گل‌وله‌های کور، برهان قاطع خمینی

امیرکبایی

قبل از هر چیزی باید گفت در نظام اجتماعي مولامهر و ما طفه برداشت انسانهارا بيگديگر مربوط ميسازد. هر كس در حالى كه به دنياى حواش و غمرا بز خود تلاش مى كند به راه ممالح اجتماعى نيز كشيده ميشود. در اين راه تا آنجا كه روابط ما قلابه و منطقي بيبند افرا دجا معه حكمفرما ست همماى آرا مىن و امنيت بر سرا اجتماع باه مى افكند. اما هر آنجا كه يكى از روشهاى حسابگرا نه در فندهاى مملحت جويما نه به ميان مى آيد بقيه در صفحه ۴

امروز مردم جهان رژيم خمينى را كه به تا مشيمه افكارى را را كه ميبدهد يك نظام تزويرى ميشناسد. وبهمين دليل تا آنجا شى كه مذهب شيعه در جا ر جوب نشا مى سبا سى شكل مى گيرد نشوا نشوا ست چيزه اى انسانى از خود نشا ن دهد. به عبارت ديگر با بديه اين واقعيت تلخ اشاره كرد هر گاه كه مذهب شيعه درد بر سه تاريخ در صدد نكوبين يك نظام سياسى بر مى آيد دجا ر چينين پديده اى دهشت انگيز ميگردد كه به سختى ميتوان آن را ن اعاده حيثيت بمعمل آورد.

#### در رثاء يك سرباز

شاین فاطمی

مرگ برای هراسنا ن متفکر و آزاده اى يك واقعيت است. هيچ انسانى تا كنون نتوانسته است از مرگ بپرهيزد و احتمالا در آينده قابل پيش بينى نيز چنين امكانى براى كسى به وجود نخواهد آمد. بحث در بيا ردها ر تنها ط لازم و ملزوم بودن مرگ و زندگى از ظرفيت اين با دداشت و ايبين فرمت خارج است. اما تذكار اين نكته ضرورى است كه اگر چه كسى قدرت پرهيز از مرگ را هنوز ندارد ولى انسانى ميتواند نشووه مرگ خود را هم نشووه زندگى نيشان انتخاب كند.

درواقع ما بديتوان نتيجه گرفت وجه امتيا زيا تشخص افراد هم نقدريا نحوه زندگى نى آنها در ارتيا ط است كه ما نحوه مرگ آنها در زندگى ميتوان بى اثر شود و با جريان آب نشا كرد بى آنكه موجى ايجا نشود. ايبين روش اكثريت قريب به اتفاقى مردم روى زمين است. آنها شى كه در ترا ر بچ موثر بوده اند كه نى هستند كه طى زندگى خود عليه جريان نشنا كرده اند و با امواج درآ ويخته اند. در مورد مرگ نيز همين امر صدق پيدا ميكند. بقيه در صفحه ۲

#### جنگ و صلح در جهان جنگ افزارهاى هسته اى

اكنون زمان آمده با شى براى يك حمله هسته اى بسيار كم شده و ناطله بين آنها زيگ حمله هسته اى و تا نيسر آن از چند ساعت به چند دقيقه کاهش يافته است (بسه) جدولها نگاه كنيد). امروزه مسكو ممكن است براى آمده با شى تنها ۱۲ دقيقه وقت داشته باشد و حال آنكه براى واشنگتن اين زمان ۵ دقيقه بيشتريست و با تاختهاى اروپاى غربى در واقع بلاتفا مله ويران ميشوند. در عين حال در گوشه و كنا ر جهان نيش از ۴۰ "جنگ كوچك" در جريان است كه بسيارى از آنها ميتوانند بياى ابر قدرتها را به ميان كشيده و ما به روبا رونقى آنها گردد. بقيه در صفحه ۸

گسترش  
بي حدود مرز  
زادخانه هاى  
هسته اى

#### ملك حسين: نيمرخ مېردى كه اردن جلوهاى از اوست

ندتمكو

"اين حسين است كه سخن مى گويد" صداغى شگفت كه طمطرا فنى شا نه نداشت از آن سوز تلخى به گوش ميرسيد. لحن كلام نشا نه اى تركيب بيچيده بقيه در صفحه ۶

#### ارتشبد اویسی و برادرش در خيابان پاسى به قتل رسيدند

ارتشبد غلامعلی اویسی در زمان شاه، فرماندار نظامی تهران بود. او به اتفاق برادرش ویکی دیگر از شخصیت‌های عالیه نظامی رژیم پهلوی در سال ۱۳۲۹ به فرانس بجا هنده شده بودند. در روز حادثه، ژنرال و برادرش به قصد خریدن خيابان پاسى، از خانه خارج شده بودند و در حمت مجلسى را ننده و محافظ ژنرال نيز با آنها بود. اما در لحظه سوء قصدوى نشوا نشا ن كارى از پيش ببرد. قاتل او را نيز هدف گرفته بود. رحمت مجلسى چنان خود را با فرار كردن، از مرگ نجات داد. با اين حال گل‌وله اى از استين پائى وى عبور كرد. مجلسى به كميسا رباى بيايى حمله پائى شى نه ببرد بقيه در صفحه ۲

#### اترانگست آيت الله‌ها

زان شارل ركس

ارتشبد غلامعلی اویسی در زمان شاه، فرماندار نظامی تهران بود. او به اتفاق برادرش ویکی دیگر از شخصیت‌های عالیه نظامی رژیم پهلوی در سال ۱۳۲۹ به فرانس بجا هنده شده بودند. در روز حادثه، ژنرال و برادرش به قصد خریدن خيابان پاسى، از خانه خارج شده بودند و در حمت مجلسى را ننده و محافظ ژنرال نيز با آنها بود. اما در لحظه سوء قصدوى نشوا نشا ن كارى از پيش ببرد. قاتل او را نيز هدف گرفته بود. رحمت مجلسى چنان خود را با فرار كردن، از مرگ نجات داد. با اين حال گل‌وله اى از استين پائى وى عبور كرد. مجلسى به كميسا رباى بيايى حمله پائى شى نه ببرد بقيه در صفحه ۲



# در رثاء یک سرباز

شاهین فاطمی

مرگ برای هر انسان متفکر  
و آزاده‌ای یک واقعیت است .  
هیچ انسانی تا کنون نتوانسته  
است از مرگ بپرهیزد و احتمالاً در  
آینده قابل پیش بینی نیز چنین  
امکانی برای کسی بدو وجود  
نخواهد آمد . بحث در باره ارتباط  
لازم و ملزوم بودن مرگ و زندگی از  
ظرفیت این یادداشت و ایمن  
فرصت خارج است . اما تذکر ایمن  
نکته ضروری است که اگر چه کسی  
قدرت پرهیز از مرگ را هنوز ندارد  
ولی انسانها میتوانند زندگی خود را  
خود را همانند شیوه زندگی نشان  
انتخاب کنند .

در واقع شاید بتوان نتیجه  
گرفت وجه امتیاز یا تشخیص افراد  
همانقدر با نحوه زندگی آنها در  
ارتباط است که با نحوه مرگ آنها .  
در زندگی میتوان بی اثر بود  
و با جریان آب شنا کرد بی آنکه  
موجی ایجاد شود . ایمن روش  
اکثریت قریب به اتفاق مردم روی  
زمین است . آنهائی که در تار و پود  
موتور بوده اند کسانیه هستند که طی  
زندگی خود علیه جریان شنا  
کرده اند و با امواج درآویخته اند .  
در مورد مرگ نیز همین امر صدق  
پیدا میکند .

بقیه در صفحه ۲

## در رثاء یک سرباز

چه بخواهیم چه نخواهیم مرگ دیرپا زود سراغ ما خواهد آمد و نوبت یکا یک ما دیر یا زود خواهد رسید. ولی با زهمم هستند کسانی که از این امر مسلمم هراسی به دل راه نمیدهند و بر خلاف دیگران خود را گول نمیزنند و بدون هراس از مرگ اجتناب ناپذیر، شرایط و خواسته های خود را هم بر زندگی و هم بر مرگ تحمیل میکنند.

این قبیل افراد کم هستند و شاید به همین دلیل که وجودشان نادر است تا نشان در تاریخ باقی میماند، چه بسیار کسانی که تنها هنگام مرگ فرصت برای تشخیص خود را می یابند. آنسانها نمی دیده شده اند که برخلاف انتظار همگنان با اینکسطی زندگانی خود آرام و بی ادعا با جریانات درهیم آمیخته بودند به یکباره، هنگام مرگ، قهرمانانها بیستادند و نحوه مرگ خود را بر سر نوشت تحمیل کردند.

آنچه دارای اهمیت است تا شیری است که مرگ افراد در سر نوشت زنده ها یا فی می گذارد. مسلماً اگر کسی فقط به خاطر مردن و مظلوم قلمداد شدن جان خود را فدا کند یا بیدر سلامت فکری او شک کرد، شما ما این سروصداها نمی که به نام "شهادت" راه انداخته اند روزی که در معرض آزمایش روانکاوها قرار گیرد مسلماً به عنوان یک عارضه روحی از آن نام خواهد برد. مردن و به استقبال مرگ رفتن به خودی خود نه تنها سالم نیست بلکه برای فرد و جامعه هر دو مضر و خطرناک است. آنها نمی که امروز به اصطلاح خود "مکتب شهادت" را دکان کرده اند هرگز از خویشترن ما به نمی گذارند. آنها همیشه از دیگران شهادت می طلبند. این یک خدعه و شیرنگ است که دیرپا زودحتی زود با ورتترین لایه های فریب خورده اجتماع ما به آن پی خواهد برد.

آنچه به نظر ما قابل ستایش است رفتار آن دسته از انسانهاست که نه تنها عاشق مرگ و شهسادت نیستند بلکه بسیار زندگی را دوست دارند و از هر لحظه زندگی در کنار عزیزان و کسان خود بسیار لذت میبرند و ولی حاضر میشوند به خاطر آرمانهای خود متقبل خطر از دست دادن جان خود بشوند.

این چنین گذشت از زندگی از ظرف کسانی که عاشق زندگی هستند از دشمنان است و لا کسی که از زندگی تنفر دارد و آدمی ساده خودکشی است آنسان نیست مریضی

### بقیه از صفحه ۱

### و محتاج درمان روانی .

تفاوت میان این دو برخورد با مرگ و زندگی در شرایط تاریخی کنونی ایران بسیار مهم و درخور مطالعه است. آنها نمی که مصیبت خواهد بود بر روی خرابه های محصول رژیم تروریستی، ایرانی آبساز و آزادسا زندگی بد زنده ما نند تا چنین افتخاری نصیب آنها گردد. آنها همه با بدعا شق زندگی با شند زیرا تنها عاشقان و هوسا خواهان زندگی اهل سازندگی و بهبود بخشیدن هستند. آنها نمی که عاشق مرگ و شهادت هستند هنری جز تخریب و آتش زدن و کشتن ندارند. ما عاشق زنده بودن هستیم زیرا میخواستیم زنده بمانیم تا میهن خود را با زسازی کنیم و از زندگی در یک ایران آباد و آزاد که در آن همه هم میهنان ما باشادی و سرور بر سر برد لذت ببریم. اما این بدان معنا نیست که برای دستیابی به چنین آرزوئی در صورت لزوم زفدا کردن جان خود هراسی به دل راه دهیم.

اما دگی برای پرداخت هر بهائی بخاطر نجات ایران یگانه ما من موفقیت ما است اگر از مرگ برترسیم هرگز موفق نخواهیم شد. گفتن این امر بسیار ساده است ولی آنها نمی که از کوره آیین آزمایش آبدیده بیرون می آیند، بسیار کمند.

ارتشبد اویسی یکی از این افراد نادر بود. او دانسته جان خودش را برای وفاداری به سوگند سربازیش فدا کرد و در تاریخ نجات ایران نامش برای همیشه به عنوان یک قهرمان ملی درج خواهد شد. او نیز مبتوا نیست هم از صدها هزارها نظامی و غیر نظامی دیگر از میدان خارج شود و جان خود را نجات دهد. مگر کمند افرادی که صدها بار بیش از اویسی هسا از ایران متنعم شده اند ولی امروز که بیش از همیشه میهن به وجودشان احتیاج دارد نه تنها رونشان نمی دهند بلکه به هر طریق که برای نشان امکان پذیر باشد سنگ در راه دیگران می اندازند و بیدگوشی میکنند.

آن ایرانیان شروتمندی که امروز در سرتترین و خوش آب و هوا ترین نقاط دنیا در آنها نیست آسایش زندگی میکنند آیا کمتر از تیمسار اویسی ایرانی مسوده هستند؟

آیا آنها نمی که جزیدگوشی و انتقاد و عیب جوشی زکسار اپوزیسیون هنر دیگری ندارند در انتظا چند قتل دیگر نشسته اند تا برایشان مسلم شود که به اصطلاح

خودشان "اپوزیسیون بی کار نشسته است؟  
آیا اگر آنطور که آنها تصور می کنند اپوزیسیون بی حاصل و بی نتیجه بود چرا عوامل خمینی شبان روزان در تعقیب آنها هستند؟  
امروز کسی پوشیده نیست که پس از پنج سال، برای اولین بار لرزه بر اندام رژیم خمینی افتاده است و ترس بر سرا پسای او مستولی شده است.  
ترور ارتشبد اویسی بزرگترین نشانه این ضعف و ترس بود. خمینی و همکاران جنابتکار او به خوبی میداندند که موج هوا خواهی از پادشاهی مشروطه هر روز اوچ بیشتر میگیرد و دیرپا زود همه آنها را سر به نیست خواهد کرد.  
آنها نیک میدانند که دوران نامیدی و سر خوردگی مردم ادامه خواهد داشت و هراس از رکه آنها صدای پادشاه جوان را می شنوند. میدشان به آینه و بینه نجات ایران صدها بار بر می شود.  
آنچه آنها از درک آن عاجزند اثر معکوس نتایج این نوع اعمال تروریستی است. زیرا مردم امروز بیش از پیش مطمئن شده اند که رژیم، متزلزل است. اگر آنها از خود اطمینان داشتند و از موج فزاینده هوا خواهی از پادشاهی بیمی نداشتند، اویسی را نمی کشتند. مرگ این سرباز فداکار و میهن پرست آنها مبخش میلیونها ایرانی میهن پرست است و تا سیونالیست خواهد بود.



ایران و جهان

اسفند ۱۳۶۲  
از دوشنبه تا دوشنبه

# یادداشت هفته

## از لابلای روزنامه‌ها

### مفسدین فی الارض ومحاربین با خدا

فرشاد بیخاوی

خلخالی در مورد توزیع مواد مخدر برای خودش ما فی‌الثی دار و آنها که به‌دام می‌باشند و هر روزها عدام میشوند کسان‌ی هستند که در مافیای وی نیستند.

پرونده‌ها لب دیگر پرونده "شهید زنده" رئیس جمهور خا منتهای است که به‌قا چاقی تریاک در زمان رژیم سابق متهم شده و با در میانی مراجع عظام مسکوت مانده است.

چندی پیش در روزنامه "ایسران" و جهان، نامه‌ای چاپ شد که با شک دولتی در تهران یک میلیاردر تومان به رئیس مجلس اسلامی و ام‌ماده است تا پسته با غا تی را که در فرسنگان به نفع خود مصفا دره کرده است به اروپا ما در کنند.

از اینگونه مظالم آنقدر زیاد است که میشود کتابی مستند نوشت مسئله فساد دودزدی و هزرتگی عوام را رژیم آخوندی بحدی رسیده است که همه از آن آگاهند تا آنجا که امام جمعه شهرری در خطبه نماز جمعه همبا لک‌ها پیش از طرف خطاب قرار میدهند و میگوید:

"آیا درست است که در زمان جمهوری اسلامی کارهای زشت و خلاف انجام دهیم و ریشه‌های خوار می‌کنیم؟" و شیخ صانعی دادستان کل میگوید:

"از مسئولین حفاظت شخصیتها می‌خواهم که بنشینند فکر و تبادل نظر کنند که مقداری از اطوار فریب‌بندیده حفاظتی کاسته شود."

در روزنامه‌ها اطلاعات مورخ ۷ دیماه ۱۳۶۲ دادستان اورمندی همواز ما حبه مقلدی دارد که حکایت از استفا ده مجدد از کوبنی‌ها می‌کند که از دست مردم گرفته شده است. به موجب این مصاحبه‌ها رها سهمیه مختلف را برده و در بازار آزاد فروخته اند و نیز مقدار زیادی کالا از ایران حطقی زده‌ها در کرده‌اند در این دزدی ما مورین "توزیع عادلانه" شورای اسلامی حمل و نقل منطقه و کارکنان بانک اسلامی و خدا میداند لایدا ما جمعه‌ها و نما بند مجل دست بدست هم داده‌اند، شرکاتی را در بازار دست و پا کرده اند و میلیونها دزدیده‌اند. نظیر این خیردر همان شما ره روزنامه در مورد شهرهای قم، سا ری و خرم‌آباد ده‌ها آمده است. در طول تاریخ اگرچه انقلابها دشمن نظم و قوانین و قوا عدا جی جا معده بوده اند ما در عین حال این پدیده ضد نظم و قانون خود نظم و قانونی دارد.

یکی از این قوا عدالین است که انقلاب در مورد فساد عفا ی خسود بشدت سختگیر است و این شیوه را با شدت وحدت حفظ میکنند اما در انقلاب آخوندی ایران، فساد حتی از پیش از روی کار آمدن "انقلابیون" با قارت با نکها و منازل و تصاحب اموال افسراد شروع شد و از این نظر هم انقلاب بقیه در صفحه ۱۹

به‌ا و محول میکنند تا بتوانند آسوده و دور از چشم رقبا به "ارشا" بپردازند

این روزها هم موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب برکنار شده این آدمکش حرفه‌ای دهها تن را به جرم زنا عدا م کرده بود و ظاهرا خودش در یک برنا مه زنا به دام رقبا افتاد. دو ماه بعد فرار از طرد و حتی دستگیری وی بر سر زبانها بود با لخره دوم بهین ماه با امام جماران ملاقات کرد و روز بعد روزنامه‌ها در مورد این مصاحبه‌های را نقل میکنند:

"... آقای موسوی تبریزی در پایان این مصاحبه در مورد شایعاتی که در مورد وی در جامعه مطرح است گفت: با تصویب این طرح در مجلس شورای اسلامی (طرح ادغام دادستانی کل انقلاب در دادستانی کل کشور) به منظور اینکه شورای عالی قضایی بتواند بهتر امور خود را انجام دهد لازم بود رسماً استعفا بدهم که به دلیل رعایت مسائل قانونی کتباً از مسئولیت رسمی خود که عضوی از تشکیلات قضایی کشور بود استعفا کردم." و چون آدمکش جیساری در حد وی نیافتند این وظیفه هم به صانعی محول شد.

فساد دودزدی محمد منتظری اظهار من الشمس است. در خیابان فوش یا ریس یک مستخدمه لجزیره‌ای که مدتی صیغه "آقا زاده" بود اکنون در یک ساختمان گرانقیمت پیشکشی! این فرزند پرومند "فقیه عالیقدر" خواهرزاده "امام امت" زیست میکند، داستانهای "آقا زاده" دیگر مردمی طبا طباشی نیازی به تکرار ندارد.

این عزیز کرده‌ها ندان روحا نیست هم‌کنون در تهران به عیش و نوش و دست اندر کاری معاملات مشغول است تا ثوبت نخست وزیرش برسد

در زمان حیات آیت الله بروجردی رئیس وقت شهرتانی تم به دیدن وی میرود و میگوید بیش از ده هزار پرونده همجنس با وی در شهرتانی قم موجود است و بعنوان یک مقلد از مرجع تقلید کسب تکلیف میکنند آیت الله پس از لحظه‌ای تا مسل میگوید: زخا و ندیخوا هیدجان مرا بکبر ده که ما هدا بنهیمه فساد روحا نیون نیا شو و نگاه زاومی خوا هده که مسئله را مکتوم نگناه دارد.

در سال ۱۳۵۴ یک هیئت پزشکی ما مور میشود که از طلاب فیضیه قسم معا بنه بعمل آورد گزارش هیئت مزبور این بود که بیش از ۷۵ درصد طلاب مبتلا به بیماری مقاربتی اند، مراتب به عرض شاه سابق می‌رسد و وی دستور میدهد بنیستاد پهلوی محرمانه آنان را معالجه کند و گزارش هم‌آفتاب می‌شود.

چندی قبل در مجله ارگان سپاه پاسداران زندگینامه یکی از اعمای شورای فقیها از زبان خودش درج شده. وی در این زندگینامه میگفت به یک نوع بیماری دچار شده بود که شرمش می‌آید دکتر مراجعه کنند آن وقت یکشب به مزار امام میرود و شفا پیش از آن ما می‌خواهد و فردا صبح وقتی از خواب بیدار میشود معجزه‌ها ما می‌بیماری شرم‌آور وی را معالجه کرده بود. سال پیش معا دیخواه‌ها می‌کشد وزیر ارشا اسلامی بود، یعنی رئیس دستگاهی که با یدهمه‌ی مسلمین را ارشا دکنند، زکا ریسر کنار شد خیر این بود که وی عشرتکده مجلسی داشته و رثا یکشب پاسدارها را به سرافراش میفرستند و پرونده‌ها را بناداری درست میکنند و بنادامام جماران میبرند و در نتیجه مجبور میشوند این وزیر ارشا در ایسران دارند و بعد هم برای اینکه سرودها بخوابد ما موریتی در انگلستان



ایران و جهان

مفسدین فی الارض و محاربین با خدا

بقیه از صفحه ۱۰

جا معده به سه طبقه ممثلاً ز، متخیر و مطرود، تو با ما امیدی، نسا دوستی، نا امنی، حتی در دا خل خا نواده ها... یک دسته دیگر هم از مردم وجود داره که ما و شما و خیلی ها جزو آن هستیم. اعم از بازاری، روشنفکر، روستا نشینی روحانی، اداری و غیره. خواه ملی و خواه مذهبی، یعنی معتقدین و علاقمندان به اسلام، چه قبلیها و قدیمی ها و چه واردشدگان و انقلاب بیافشگان دوران مبارزه و انقلاب تا سف عمیق این دسته از آن است که در خارج و داخل کشور و در ذهن و ضمیر بسیاری از مسلمانان بر خلاف جریان درختان آستانه انقلاب، یک دلمردگی و وا زدگی نسبت به دین و ایمان پدیدار گشته می بینند که از اسلام عزیز محبوب که منادی و مجری نسانیت و عدالت و علم و طهارت است چهره خصمانه هولناک جلوه گراخته اند بجای حیات و نعمت و رفاهت و روشنائی، تحجر و خشونت و خصومت آشکار است.

می پرسند که حسن خلق محمدی و عدل علی کجا و اعدای میهای آب خوردنی و انحصارگری کجا؟ این شیر و وظایف همان مردان خدائی هستند که وعده میدادند قوانین الهی را پیاپی ده و "عدل اسلامی" را حاکم خواهند کرد، همانها هستند که مرید معروف و نهی از منکر میکنند، همانها هستند که مدعی بوده اند میخوایند ریشه فساد را از زمین بردارند، همانها هستند که هزارها را ایرانی سازی را از دولت مردان و امیران گرفته تا دانش آموزان معصوم و کم سال به بهانه های واهی به عنوان مفسد فی الارض و محارب با خدا به جلادان جیره خوار خود سپرده اند. آیا در این میان کی مفسد فی الارض است؟ اینها یا آنان که که به وسیله این مفسدین به جلادان سپرده شده اند؟

چهارشنبه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۶۲

اسلامی با سایر انقلابها تفاوت دارد، امروز از هر معادله ای که یک طرف آن مربوط به سرزمین تیره روزماست، روحانیون محترم آشکارا بین ۲/۵ تا ۱۵ درصد حق و حساب میگیرند.

نشریه نهضت آزادی ایران ارگان مهدی بازرگان که خود نیز از همین تیره و وظایف است حکومت این "مردان خدا" را این طور توجیه میکنند:

"اول سوال و کلام مردم مملکت و هما آنها که در انقلاب علاقه و وحدت نشان دادند، این است که گردانندگان و سیاستمداران پس از سه سال و نزدیک چهار سال غیر از خون و خرابی، غیر از زلبریزی شدن زندانها و قیامگاهها در همه شهرها، غیر از زلفهای طولانی و کمبود و گری، غیر از زبیکاری و بی بولی، بی خانمانی و شعارهای تکراری و آینه تار یک چهارمندان برای ما آورده اند... ما آنها که اهل اطلاع و بحث هستند قانون اساسی را پیش میکشند... چرا معطل و منتفی و منحصر به طبقه خاصی شده است؟ از جمله حقوق ملت، آزادی نشریات، مطبوعات احزاب، جمعیتها، تشکیلات اجتماعی و راه پیمائیها، ممنوعیت بازرسی مراسلات و مکالمات، تجسس و تبعیدهای غیرقانونی، داشتن حق انتخاب وکیل، در دادگاهها و محاکمات علنی، استفاده از اصل برائت ممنوعیت شکنجه و تعزیر بر سرای گرفتن اقرارها و اطلاع، اعتراف و ناله دیگران از تفتیش عقاید و اختصاص دادن تحصیل و سفار و جیره و حتی ورزش به دست چیرمن شده های خاص است.

به لحاظ اجتماعی و ملی بزرگترین ایراد دنگرانی جو، وحشت و ترور یا انتقامهای دو طرفه و از هم گسیختگی ملی، بعد از زبیکاری و مصیبت و اعتماد و امیدوران پیروزی انقلاب است و تقسیم

تشیع جنازه ارتشبد اویسی

صبح امروز مراسم تشییع جنازه شهید غلامعلی اویسی و زیاده در غلامحسین اویسی در پارک ریس برگزار گردید. این دو تن روز سه شنبه گذشته در پارک ریس مورد سوء قصد تروریستی قرار گرفته و به هلاکت رسیده اند. در این مراسم تعداد زیادی از ایرانیان مقیم در پارک ریس و نمایندگان ایرانیان مقیم کشورهای دیگر اروپائی شرکت داشتند. در بین تاج گلها فی کسه نشان داده بود تاج گلی نیز از سوی شاهزاده رضا پهلوی دیده میشد که بر روی نوار این جمله نوشته شده بود: به یادشاهت سرباز دلسیروطن ارتشبد غلامعلی اویسی، یکی از هم میمانان همدرد، رفقا پهلوی...  
رادیاو سراسیل - ۲۲ بهمن ۱۳۶۲